

یغما

شماره مسلسل ۲۳۶

سال بیست و یکم

خرداد ماه ۱۳۴۷

شماره سوم

متن اصلی شاهنامه از بین رفته است!

کتابی پراز اشتباه!

هر کس این عنوان را باخطی بسیار درشت در روزنامه‌ای که معروف‌ترین روزنامه‌های ایران است ناگهان ملاحظه کند، چنین می‌پندارد که متن شاهنامه‌ای که امروز در دست ماست و بنای تاریخ افسانه‌ای ایران بر پایه آن نهاده شده، و زبان و فرهنگ ما را بنیانی استوار و رکنی عظیم است دیگرگون و مجعول است و شاهنامه‌ای نیست که فردوسی طوسی ساخته و پرداخته است.

درست است که عنوانی جالب و چشم‌گیر، بر موضوعی نهادن و مطالبی بی‌ارج و بی‌بها را مهم و با ارزش جلوه دادن از فنون روزنامه نگاری است، اما بکار بردن این هنر اگر در مطالب و اخبار روزانه و مباحث تبلیغاتی روا باشد در دقایق ادبی و نکات تحقیقی خطاست، خاصه اگر به افتخارات ملی لطمه زند و ذهن طبقات متوسط بی‌اطلاع را مشوش سازد.

متن اصلی شاهنامه چرا از میان رفته باشد؟ مگر فردوسی جز این شاهنامه‌ای

ساخته است که ما را از آن خبر نیست؟ مگر این شاهنامه‌ای که هست، جز از فردوسی از دیگری است؟ مگر نظر این است که ما بدست خود تیشه بر ریشه ملیت خود بزنیم و فردوسی و شاهنامه‌اش را تخطئه کنیم؟

چند روز پیش یکی از فضلا، برافروخته، به دفتر مجله درآمد و استعلام کرد که آیا متن شاهنامه فردوسی از بین رفته؟ پرسشی شگفت آور بود و چون تعجب مرا دریافت، گفتم از خیابان می‌گذشتم چشمم به روزنامه افتاد که باخطی بسیار درشت چنین عنوانی داشت. وقتی شك و تردید، مردی فاضل را به پرسش برانگیزد، در کسانی که اهل اطلاع و تحقیق نیستند چه تأثیر خواهد بخشید؟ تأثیری سخت ناگوار و خطرناک.

بعد از این عنوان که در صدر مقاله است کتابی پرازاشته‌باه عنوانی دیگر است که در ضمن مقاله آمده، گویا برای این که فارسی‌دانان را بیشتر بجوشانند و بسوزانند، و آنچه تأسف و تأثر را بحد کمال می‌رساند این است که این تیتروهای جالب را خبرنگار روزنامه انتخاب فرموده است نه گوینده مطلب.

موضوع بحث این است که خبرنگار روزنامه با آقای پروفیسور رستم علی‌اف که به کنگره باستان‌شناسی ایران دعوت شده، مصاحبه‌ای کرده و آقای پروفیسور در باره شاهنامه فردوسی عقایدی ابراز فرموده و خبرنگار برای این که مطلبی تازه، و باصطلاح خبری داغ، تحویل روزنامه بدهد این عناوین زنده را انتخاب یا جعل کرده است و گرنه امکان عقلی ندارد که دانشمندی محقق عبارتی چونین ناروا و ناهنجار بزبان آورد.

خلاصه گفته آقای پروفیسور علی‌اف که در روزنامه درج شده این است که:

- تعداد ایبات شاهنامه از پنجاه و پنج هزار متجاوز نیست ولی اکنون در نسخ معمولی که بدسترس ماست به صد هزار رسیده است.

- چاپ ترنر ماکان خالی از تجریفات نیست.

- متن ژول مول فرانسوی صحیح‌تر و اصیل‌تر از متن‌هایی است که قبلاً بچاپ رسیده و لسی در نتیجه تحقیقات دانشمندان معلوم شده که این متن نیز کاملاً اصیل نیست.

- وللس آلمانی با مقایسه چاپ ماکان و مهل و ضبط اختلافات آن‌ها درصدد

بوده متنی دیگر تهیه کند ولی توفیق اتمام آن را نیافته است.

- در ایران شاهنامه‌ای با مآخذی اصیل بچاپ نرسیده است.

- در سال ۱۹۵۰ دانشمند فقید روسی برتلس و گروهی از ایران شناسان اتحاد جماهیر شوروی از روی چند نسخه معتبر که قدیم تر آنها در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده و در موزه بریتانیا نگاهداری می شود، و نسخه دیگر که در سال ۷۲۲ هجری استنساخ شده و در کتابخانه عمومی لنین گراد محفوظ است به تصحیح شاهنامه همت گماشتند و تا کنون به اهتمام دانشمندان شوروی شش جلد متن تصحیح شده شاهنامه انتشار یافته است .

این بود خلاصه عقاید جناب پروفسور علی اف که تقریباً پذیرفتنی است .

- در این که در بعضی از شاهنامه‌ها ملحقات شعری کم و بیش هست، انکاری نیست.

از جمله بسیاری از ابیات گرشاسپ نامه اسدی طوسی در شاهنامه درج شده (شماره این ابیات را یادداشت کرده‌ام)، و همچنین از دیگران، ولی این ملحقات به اصالت شاهنامه لطمه نمی زند چه با توجهی دقیق و با استقصائی تمام، آنان که بزبان فردوسی آشنایند می توانند آن اشعار را از شاهنامه بیرون برند. از فواید اساسی متونی که دانشمندان ایران شناس بچاپ رسانده اند و می رسانند یکی همین است که با مقابله آن نسخه‌ها اشعار الحاقی را آسان تر می توان دور ریخت .

- اما این که اشعار شاهنامه به صد هزار رسیده اغراقی است عجیب مگر اینکه

ملحقات جمشید نامه (که بیشترش از اسدی طوسی است) و داستان‌های كك كوهزاد و برزو و سوسن رامشگر را ... بنام فردوسی در آورند، و شخص باید به زبان و ادب فارسی بسیار نا آشنا و بیگانه باشد که این منظومه‌ها را از فردوسی بداند که این بیت نمونه‌ای از آن است:

مرا سال بگذشته از چارصد ندیدم چنین مرد روز نبرد

جز این منظومه‌ها که قطعاً از فردوسی نیست اشعار الحاقی که مورد شك و

تردید می تواند بود از سه چهار هزار در نمی گذرد و معلوم هم نیست که همه اش الحاقی باشد زیرا مسلم است که فردوسی چند بار کتاب خود را مرور کرده و شاید بعداً ابیاتی در بعضی از داستان‌ها افزوده باشد. مثلاً اشعار حماسی گبو خطاب به پیران و یسه در هنگامی که کیخسرو را از مرز توران می گذراند و نسخه شوروی آن را از ملحقات

دانسته به ظن قریب به یقین از خود فردوسی است ، اما ممکن است کاتب نسخه‌ای (که اکنون اساس قرار داده شده) برای اختصار حذف کرده باشد.

با تحقیق و تأمل می‌توان گفت مجموع ابیات شاهنامه از پنجاه و چند هزار بیش نیست، شعر نسنجیده و ناپخته هم بسیار کم دارد و خودش منصفانه فرموده است:

اگر باز جوئی از آن بیت بد همانا که باشد کم از پانصد

پس هیچوقت اشعار شاهنامه به یکصد هزار نرسیده و ملحقات مشکوک هم از دو سه هزار بیش نیست که باید سخن شناسان صحت و سقم آن را تشخیص دهند .

کتابی بدین اساس و بنیان استوار چرا متنش از بین رفته باشد؟ این سخنان گمراه کننده نسنجیده بی‌معنی را چرا می‌زنند و چرا منتشر می‌کنند؟

- دیگر آن که چنان که جناب پروفیسور علی اف اشاره فرموده‌اند و قولی است

که جملگی بر آنند باتبعی که در نسخه‌های چاپی شاهنامه شده ، باتفاق شاهنامه‌شناسان متن ژول مهل فرانسوی از همه متونی که تا کنون چاپ و منتشر شده صحیح‌تر و دقیق‌تر و بزبان فردوسی نزدیک‌تر است ، و چنان می‌نماید نسخه‌ای که آن دانشمند بزرگوار اساس قرار داده نسخه‌ای بوده است اصیل و با ارزش ، و آن مرحوم با نهایت امانت و دقت بی‌اندک تغییر و تحریف و تصرف بچاپ رسانده و به ادب و زبان فارسی خدمتی عظیم فرموده است. خداوند تعالی او را و بانوی دانشمندش را غریق رحمت و غفران فرماید.

- نسخه‌ای هم که به‌اهتمام دانشمندان شوروی چندجلدش چاپ شده ، البته

با ارزش است و دقیق است و مورد عنایت است و ایرانیان و فارسی زبانان جهان هر چند از این اقدام سپاسگزاری کنند از عهده شکر بر نمی‌آیند . اما بی‌اشتباه نیست ۱ و آن را

۱- بطور نمونه این بیت در شاهنامه چاپ شوروی (صفحه ششم جلد سوم) چنین ضبط

شده : اگر زندگانی بود دیر باز در این وین خرم بمانم دراز

و در صفحات آخر همین جلد پس از شرحی تقریباً مبسوط می‌گوید ...

«اگرچه «وین» در فرهنگ‌ها بمعنی انگور ثبت شده است ولی «رز» در ادبیات بمعنای

انگور و تاک و ناکستان و مطلق باغ استعمال شده است . پس معنای مصراع دوم بیت‌دهم چنین

است که اگر در این تاکستان یا باغ خرم زمانی دراز بمانم یکی میوه داری بماند زمن ...

(رداکتور)

این توضیح و تفسیر را ذوق سلیم نمی‌پذیرد ، زیرا در ادبیات فارسی و در شاهنامه

بهبتر و صحیح تر و دقیق تر از نسخه زول مهل نمیتوان دانست .

اما این که تا کنون نسخه ای معتبر و مستند از شاهنامه در ایران انتشار نیافته حقیقتی است که نمی توان بی تأسف یاد کرد . مسئول کیست ؟ مؤسسات فرهنگی و دانشگاهی و دیگران بودجه تألیفاتی را که در اختیار دارند به مصارفی می رسانند و کتاب هائی را چاپ می کنند که غالباً بی ارزش و بی خواننده و بی خواهنده و بی تأثیر است اما در مورد شاهنامه که سند مالکیت ایران ، وهسته زبان فارسی و مایه افتخار جاودانی بشری است خاموش می مانند ، و کاش خاموشی مطلق بود و داستان هائی از شاهنامه مملو از اغلاط و اشتباهات که موجب رسوائی است انتشار نمی یافت .

اندکی شرح نمودم غم دل ترسیدم...

بحث در موضوع شاهنامه و روش تصحیح آن مجالی بیش می خواهد ، در این جا فقط منظور تصریح این نکته است که نه متن اصلی شاهنامه از بین رفته و نه کتابی پرازشته است.

چوبشوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه ، دلبر ، سخن اینجاست

نیز کلمه وین به معنی باغ و تاکستان نیامده و یا این بنده ندیده ام ، و فردوسی با آن لطافت طبع چنین کلمه ای ناماً نوس و ثقیل را دشوار است که انتخاب کرده باشد . به ظن قریب بیقین و شاید بطور حتم بتوان گفت که صورت شعر همان است که در نسخه های معتبر ضبط شده :

اگر زندگانی بود دیر باز در این دیر خرم بمانم دراز

و میدانیم که دیر (بفتح اول) به معنی صومعه و کلیسا و کنایه از دیاست و از این کلمه ترکیباتی ساخته اند چون : **دیر تنگ** ، **دیر سپنجی** ، **دیر نندسوز** ، **دیر مکافات** که همه به معنی دیاست .

رعایت جناس لفظی هم شده است ، و معنی هم واضح است به دو صورت ، یعنی خواه صفت و موصوف تلقی کنیم ، و خواه کلمه حرم را حال بگیریم . به (عقیده دکتر اسلامی این کلمه در هر دو مصراع «دیر» است به معنی درنگ و آن نیز وجهی است)

بهر حال هیچ طبعی نمی پذیرد که فردوسی در این بیت کلمه وین را که بمعنی انگور سیاه است و لغتی «جور است بکار برده باشد .